

مهر

روزنامه بودیه
۱۳۲۰ پنجم اسفند ماه ۱۳۲۰

روزنامه پیمان صفری
شماره ۴۳۸

جای اداره: میدان بهارستان
شماره تلفن: ۴۳۸

سال نهم شماره ۴۴

روای اشراق

شماره ۱۱۰
شماره ۲۰
شماره ۲۰
روای اشراق شماره ۱۱۰

تک شماره پیمان

این روزنامه پشتیبان کسانی است که افکار با بازاری شود کار کرده و از حاصل دسترنج مشرد نان و بیشترند

دشمنان ایران

افزون دشمن مشترک کایه ملتای جهان
مخصوص دولت های کوچک و دولتی است که
برحمتا آتش جنگ خاموش سوزا در دنیا
افروخته و آزادی ملیونیا نفوس را دستخوش
طغمان و افراش کثودر گشایش خویش کرده
ست. آلمان فاشیست که با برافراش صریح و
وشن زمامداران و پیشواان خود دستخوش
سپهرا اراده آلمان میداند و معتقد است جز
ت آلمان در دنیا ملت دیگری حق حیات و
زادی ندارد و فقط برای خدمتگاری و بشکلی
ت آلمان خلق شده است و بیسبب و بیطرف
تک و سلب آزادی ملیونیا نفوس را حق
شروع خود میداند بقدمه سانه تنها دشمن
ان است بلکه مخوفترین دشمن انسانیت و
زادی است. ملت ایران که سابقان دراز در
بر بوغ و بیگناوری و حکومت فعال مبارزاتی
است و با مزه باید بیشتر از هر ملت دیگری
کنون لوزش و معنی آزادی را دریافته و آرا
گرامی و عزیز بخارد و از این لحاظ ما طبیعتا
داریم که اگر برای نوده ملت ایران بطور
صریح و روشن و خالی از هر گونه افراش شخصی
روزم بازی آلمان را تشریح کنیم و با استدلال
منطقی و بیواسطه ممکنه طرز حکومت آلمان
و اطلاق را که مبنی بر فقر و قبادی است
بخواندند قطعا بیشتر از این کشورها
بخوانند شد که طرز رفتار رژیم نازی با پیشرفت
سپهرا و میلی کرده و ایرانی درین فرود
مندی و اود از منظر تاریخ و ادب و حکومت
شدهای را امتحان کرده و از آنها تجربیات
نشی اندوخته است. ملت ایران بخوش میداند
حکومت در کثوری جز اینکه عدد بیرحمه از
کار دیگران استفاده کند و زانو و آزار خون مردم
را بکشد و بالاخره در تحت افس خدمت صعب
تربس جنایات را بکشد و منهن خود بنمایند
معنی دیگری ندارد و بخوشی آگاه است که
در تحت عنوان ترقی و پیشرفت چه افراش و
مطامع ارتجاعی را در این عمل می پوشاند و در
حس و تبعید چگونه زبان و قلمو آزادی فردی
و انجمنی ملت را محو و منهدم میفرماید
مخالفی است که ملت ایران خود تجربه کرده
و صحت و استدلال بیستوی اگر بدلائل منطقی
و استدلالات شود که ز فاشیست بر سر است
موجش را و خطرناکتر و مفسد از دیکتاتور
عاز دیگر است و واضح کرد منصفه عاز و
در این...

پیرصدای دیگر چه عاقدش و نظریات ارتجاعی
را محض نموده اند و با معتضری از نوشتهات
و عقاید آنها را در معرض افکار عامه ایران
فرا ردهند هیچ ایرانی با تفرقی صبح مین پرست
و آزاد مردمی نخواهد توانست از رژیم فاشیسم
نجمد نماید.
عاقبت این رژیم و نظریات فاشیسم
که فصل فاشیست در تاریخ و مخصوصا در آرش
کرده اند کوه پونه چو که در وقت جنگ جهانی
از جرأت و منافع شخصی دور و بیگناوری
محروم شده اند پیدا می شوند که با کائنات و صبح
از حکومت هیتلر طرهارزی کرده حتی گستاخی
راحتی رساندند که نورا ایدمان دهده ایران
و مخالف خود را خاتین منهن جلوه میدهند
بطر عاان لشخص بر روی خود اند. عاان اثر
جیانت و عدم تشخیص مصالح کشور و آگاهی
مخالفین سیاسی و رژیم فاشیسم صرفا از روی
احساسات تلمیح بین افکار شمه اند و عقول دیگر
دانسته و فهمیدن آن آراش و بیاد فاشیسم خود
از عقاید فاشیستی پشتیبانی می نمایند بطغمان
دسته اول میگردد و با شدت و برهمن
و دلایل آنها را در این توضیح حقیقی کشور
آنها کرده و این دست نگردد و معتقد است که آنها
دشمنان حقیقی ایران و دشمنان ارتجاعی دیگر
خطرناک تر از این ضد لشخص هر گویند
و کثور و مخصوصا در این امر است لوزش
نموده
و بطر ما باید جدا بانه بخورد کرده
این افکار را در آرش ایران
نموده
از این لحاظ معتقد دولت وظیفه دارد
راجهت ناس مسئله عهد جهانی اقدامی لوزش
عاجل کند و پیش از این چشم پوشی و اقدس
روا بخورد زیرا برای حفظ آزادی ملت ایران
و از لحاظ پشتیبانی از اصول و مشروخیت و قانون
انسانی و از این برده است آراش ارتجاع گذشته
مین ما احتیاج دارد هر چه رژیم زودتر جامعه
ایرانی از وجود این عناصر فاسد پاک کرده در
ضمن مقالات بعدی سعی خواهیم کرد اصول
افکار فاشیسم را تشریح و چشم و گوش مردم
را در این خصوص باز نموده مطالب را آشکارتر
بگوئیم و جز آزادی ملت ایران و سرکشار
داشتن مین گرامی خود از آتش جنگ جهان
سوز که هیتلر و بران اورا بکشد و من میرند
طرز دیگری عاان در این رژیم از آزاد مردان
پشتیان...

بهار ۱۹۴۲

با فصل خون
منه جوانگرانه هیتلر همه دولت مشرد و
جنگ شوروی و آلمان در رومانی خانه یافت
برنده دوران آلمان برای دشمنان شروینای جنگ
شوروی باقی مانده است. کارگران و معاندان کشور
عبر برای طاع از کارخانهات و مین و کثورهای
شود در حال سرگردانی آلمانی دست ملت برستان
آلمان در راه دیگر بر افراشته. زبان و عاان خود
را جای موش بر کثورهای و کارخانهات گذاشته
و خود طاع برده اند. رومانی سر سینه و سه ملت
آلمان طوعش شدن میل کن فاشیسم گشت
اول آنکه معاندین فاشیسم را می بکشد. ملت
رومی از سه ملت خود در مقابل نازیکی فاشیست
سرولانی نشان دادند
بوده آنکه آلمانیها که از مراکز کثور و جانی
شود آورده بودند در پشت سر خود جرفه کثور و طرهار
و عاان و این مردم عااندند تا برای میبند کثورکی که
سپهرا سالان تحت آلمان بر منهن و رومانی سرست
و عاان را بطر صعبی برای حل و فصل مین وجود
حکایت هیتلر چه میبند که آوری کرده بود بصرف
رومی و در هر چیزی خبری بود که اگر آسار
صرف طغمان را در آرش از برده های کوچک خود
معاندان قرار می دهد و با که کارخانهات
هیچ کثوری طر مننه که در روزگار جانی
تلف میبند صرف طغمان که با
بر این کاره است و این دست خاسته
با کارخانهات بعد از آرش برای مین
رومانی بیکند
بوده آنکه طر عاان لوزش
رومانی طغمان باقی گشت
این معاندان کثور سر سینه
که آلمانیها رومانی را با
سنگ جانی و از ریف خویش بر
همه معاندان که برای رومانی طر
صعبی یافت در یکی را دیده است که
گرمی و فاشیسم را در طغمان خود
و از کارگران خود برای جیانت کثور
کارگران شوروی بیکند است
فاشیسم را در هر کار
میدان و دست کارگرها و کارگران
آلمان دیگری را بکشد و در این کار
آرش را طاع تحت رومانی طغمان
است و عااند اولی خود شوروی
و خود را برای جنگی طوع با
آلمان بخورد. طغمان هیتلر را هر
آلمان از آمریکا و انگلستان و
شوروی میداند با سینه خود کرده که
خبر است آلمان برای آند شوروی جنگ
است که درین طغمان با سانی خود
جز درین طغمان و آراش برده زما
مین اساس جنگی بیار را تشکیل خواهد داد
اول دست طغمان هیچ شده که کشور های
شوروی است و جانی است
سپهرا بران هیچ شده که با کثور
انسانیت برحمتا داده اند و همچنان میبندند که برای
خود جنگی با نفع دیگران
موم میبند و رومانی ملتی که گمان میبرود
منطق از محور عاان باشد
از این معاندان طغمان خود که در بهار آمده
طرز این حکومت فاشیست گرامه و ده که کثور بشر
خبر خاتمه است
سپهرا عاان در این طغمان
موم خود طغمان عاان کثور
درین طغمان عاان کثور
درین طغمان عاان کثور

آخرین اخبار جنگ

کامیابی نیروی دریایی شوروی
از آخر جنگ روس و آلمان تا کون که ملت ما مشوره معاندان و کثور میبند و دوستشوند
کش کثور آلمانی دستخوش شوروی لوزش و با خود شده است
حملات هوایی به آلمان
برنده است افکارهای انگلیسی و ناسی شمال بخاری آلمان شده کرده و صادرات بسیاری آن توان
راستمانند از خانه طاع را بوزر حبه و طاع شده پس استمان در فرانک بوده است
عملیات آلمانیها در موع غف نشینی
خبر سرکشار که بر افراش انگلیسی در عیبه شوروی اطلاع میدهند که طع تحت نشینی آلمانیها عاان
از اعدا و او رومانیای برای و نوبانی صحرایی است که طراب شده و از کار افتاده اند. برف همه اوار و پوشانده
و کار عیبه این قائم را پس مشعل ساخته و نسی و اصلاح این آراش و او رومانیها عاان داده و شده و شد
و دور کارگران را کار خود منهدم گمیدند نفس نگردد نایهای آلمان میرسد که هر شب شکایت از نفع
سنگین ترش آلمان میگردد لغت سوخته و نایهای خراب شده بودای از خراب کاریهای آلمانیها در موع غف نشینی
آنهاست و کثور نایه ملو با و ملو اس اظهار داشت که این خبر نسبتا از آسید و کثور سقوط مانده و برای لوزش
سرخ آلمانیها را درین عاان عاان گیر بود ولی در اطراف شهر عاان و اوده طاع بر چهل ملون روم بود و
پیش از نوبهار خانه و صادرات را آلمانیها سوزانده و خراب کرده اند. پیش از نوبهار هر مردمان جنگند و
آلمانیها درین نوبانی با نایت سنگی کثور و از جانی برآمده
تلفات نیروی دریایی ژاپن
بوجود آمدن خبری که رسیده تحت نیروی دریایی ژاپن در عقبه نالی (رومیک جزیره جاده) عاان
بوده است از غرق چهار کثور جنگی و آسید دین چهارده نالی باره نالی جنگی دیگر



طرز رفتار آلمانها در کشور های متصرف
مأمور گشتا و (نیش آلمان) شوی دن پس حاله ام یکی از اسکودرهای مخصوصی کوریک است
اگر این ۱۰۰۰۰۰ فرانک بدهی ترا از دست نگهانیان منظر امامت خواهد دید

مکان است کسی از خود بخورد که اگر کوهستان
طاع عقیقت باقی میبند پس بر جانی برین آما درون
بجوانت معرکه گشت
جوان این سوال بسیار صعب است و در واقع
نشی منطقی از سوال یک طع نشینی است اولی خود
بر صورتیکه معاندین طغمان عااند که در صورت عاان
نشی بعضی معاندان این از جیانت بشر برای کرده اند
و عرض آنکه لوزش هیتلر با طغمان جانی و منطقی بسیار
خوبتر است این کور برساند در طغمان هیتلر
خود طغمان خواهد شد
پس این صفت اگر بگوید که سینه طغمان
جانی طغمان کثور بر بهار آمده بود خواهد شد
را معاندین است زیرا در صورت شکست آلمانیها
جانی طغمان عاان طغمان جنگی جانی و
مخبرهای طغمان عاان طغمان طغمان

يك لحظه خوشی

لایب گزیده بود و کوه سوزی از دست حق بود
 رفت که ایام آرزو و یاد دور و صفت و صبر آن
 دیوانه های کز گدازد و صفت شعر شده و زلف خندان
 شکسته و درگاه و روزنه یافت بر یک ماه روشن
 تکلیف کرد بر ماه خندان و دردی نداشت و نه
 و در آن روز و ماه بود - بود غم و روی گداخته
 در آن کوه خندان جهان خندان بود خندان بود
 از این آینه گدازد در خانه حق بود - خندان و دست
 سواد خندان بودی تکلی که جوان بود روی پشانی
 بود و در آن حال خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

در کابله سواحل پاکستان آوی های بزرگی همواره مرا درینا هستند شکست خندان نوبتی های آکس را در ساحل شرقی اسکالنداشانی دهد که هنگام غروب اطفای ست های خود بی تاباند



آنیمن، یاد بود شیخ مائی در نالار دارا تنون

خاندان باستان بود که در گذشت فداکاران استاد بر که شیخ نالار را در نالار دارا تنون
 در این ایام تاریخی و تاریخی بود و زنده ماندند و در نالار دارا تنون
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

نامه نامی رسیده

پرا جمع آوری نقره اهل نشد

در روز نور هم بر عده آنها افزوده نشد
 این موضوع اخیرا حالت خبر مردم را بر
 و هر کسی از خود و با همی غیر صفت است که
 هر چه خود را با همی غیر صفت است که
 و امر این مداخل مکتبه که چنان از راه شده است
 این مداخل مکتبه که چنان از راه شده است
 این مداخل مکتبه که چنان از راه شده است

نقد از صفحه مردم

گرفت زیرا بر آن صورت قهرمان من خواهد داشت
 ما را تر کای حربه خندان صورت داشت آن گون هکلی
 است که گدازد خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

اخبار تلگرافی خندان

خندان خندان خندان خندان خندان خندان
 خندان خندان خندان خندان خندان خندان
 خندان خندان خندان خندان خندان خندان
 خندان خندان خندان خندان خندان خندان
 خندان خندان خندان خندان خندان خندان

دانش روزنامه مردم

گرفت زیرا بر آن صورت قهرمان من خواهد داشت
 ما را تر کای حربه خندان صورت داشت آن گون هکلی
 است که گدازد خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

نقد از صفحه مردم

گرفت زیرا بر آن صورت قهرمان من خواهد داشت
 ما را تر کای حربه خندان صورت داشت آن گون هکلی
 است که گدازد خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

دانش روزنامه مردم

گرفت زیرا بر آن صورت قهرمان من خواهد داشت
 ما را تر کای حربه خندان صورت داشت آن گون هکلی
 است که گدازد خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

9648

اواسمه ایاک استوری ۱۸۰ متر جغرافیایی مکی

ساوا ماروسف

این روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

دانش روزنامه مردم

گرفت زیرا بر آن صورت قهرمان من خواهد داشت
 ما را تر کای حربه خندان صورت داشت آن گون هکلی
 است که گدازد خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

دانش روزنامه مردم

گرفت زیرا بر آن صورت قهرمان من خواهد داشت
 ما را تر کای حربه خندان صورت داشت آن گون هکلی
 است که گدازد خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

نقد از صفحه مردم

گرفت زیرا بر آن صورت قهرمان من خواهد داشت
 ما را تر کای حربه خندان صورت داشت آن گون هکلی
 است که گدازد خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست
 یک لحظه صفت من کرد - آن مرد خندان بود خندان
 از این به خندان - خندان روی خندان بود خندان
 در آن روز و ماه خندان و دست از زیر پناه خود
 در آن گدازد خندان و خندان خندان و دست

